

گریزی از بیروز شکست و ناکامی‌ها در مسیر پر پیچ و خم انقلاب نیست و تجربه ۴۰ساله انقلاب اسلامی نیز سرشار از این فراز و فرودهاست. تجربه گام دوم انقلاب نیز نیازمند توشه‌گیری از تجربیات گام نخست و آسیب‌شناسی این ناکامی‌هاست. شاید یکی از مهم‌ترین سخنرانی‌های استراتژیک رهبر انقلاب که ترسیم روشی برای تحلیل این موضوع بود و در کنشاکنش فضای آخر سال و شاعر سال جدید مفقود واقع گردید،سخنان ایشان در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری بود. با توجه به اهمیت موضوع مروری بر این سخنران مهم خواهیم داشت. ■ ■ ■

■ دوگانه‌های حیاتی برای مواجهه با تهاجمات

رهبر معظم انقلاب در این سخنان، پدافند مقابل تهاجم دشمن در عرصه‌های مختلف را از ضروریات حفظ انقلاب برمی‌شمرد و آن را منوط به شناخت روش صحیح مواجهه با مخاطرات می‌دانند: «هر کشوری، هر جامعه‌ای حوادثی دارد؛ این حوادث باید بعضاً حوادث خوب است،بعضاً حوادث تلخ است، بعضاً فشار هست -فرض کنید ما دچار تحریمیم، دچار تهاجم فرهنگی هستیم و از این قبیل چیزها، یا بعضی از کشورها دچار تهاجم سخت و تهاجم نظامی هستند،حوادثی برای کشورها پیش می‌آید- گاهی هم پیشرفت‌هایی پیش می‌آید، نوع مواجهه با این حوادث خیلی مهم است که چطور با این حوادث مواجه شویم، بحث من و موضوعی که می‌خواهم عرض کنم، این است.»

ایشان برای این تقابل ابزارهای ده‌گانه‌ای را لازم می‌دانند که در قالب دوگانه‌هایی عرضه شده‌اند: «چند دوگانه را من عرض می‌کنم در این زمینه... به نظر من این دوگانه‌ها سوالات مهم است؛ ما چه چوری باید عمل کنیم،البته پاسخ‌دادن ربانی به اینها آسان است اما پاسخ‌دادن عملی و ملزم شدن، به این آسانی نیست.»

در واقع این دوگانه‌ها راهنمای آسیب‌شناسی تصمیمات نظام هستند و با بررسی و استناد به آنان می‌توان عمل شکست‌نا را مربوط به انتخاب نادرست در این دو گانه دانست.

■ دوگانه مواجهه فعال و منفعل

ششویه مواجهه فعال یا منفعل یا پدیده‌ی یکی از اصلی‌ترین انتخاب‌ها در تصمیمات کلان نظام است که می‌تواند پیروزی آفرین یا شکست آفرین گردد؛«گاهی مواجهه‌ما با این حوادث، مواجهه‌فعال است، گاهی مواجهه‌انفعالی و مواجهه منفعل فعال یعنی اینکه وقتی با حاد‌های روبه‌رو می‌شویم، نگاه کنیم ببینیم در قبال این حادثه - برای دفع آن، برای رفع آن، برای تضعیف آن، یک جاهایی برای تقویت آن- چه کار باید کنیم؛ فکر کنیم وفعال وارد میدان بشویم- این مواجهه‌فعال مواجهه‌انفعالی این است که وقتی یک حادثه تلخی، سختی و مشکلی پیش می‌آید، بنام تنبیه آه و ناله گردن، کلام به زبان آوردن، دالماً گفتن، مدام تکرار کردن بدون اینکه تحرکی در مقابل آن داشته باشیم. پس سو جور مواجهه داریم،مواجهه فعال،مواجهه انفعالی.

از نگاه دیگر: مواجهه ابتکاری یا مواجهه عکس‌العملی، مواجهه عکس‌العملی این است که فضا وقتی در مقابل یک دشمن قرار گرفتیم و دشمن ما را به یک میدان مواجهه‌ای می‌کشاند، ما هم برویم در همان میدان و طبق برنامه‌ریزی او - که حرکتی انجام می‌دهد- مثل خود او حرکتی انجام بدهیم؛ این مواجهه‌انفعالی است، این مواجهه عکس‌العملی است؛ یعنی در واقع حرکت ما تابعی از نوع حرکت او است. مواجهه ابتکاری این است که نه، فرضاً دشمن از ناحیه‌ای به ما حمله می‌کند، ما از ناحیه دیگری به او حمله کنیم، ما به شکل دیگری ابتکار عمل را به دست بگیریم و نوعی بر خودر کنیم که متلاضر به بزنیم. این دو جور مواجهه است.»

مثال بساز: این مواجهه انفعالی را در رویکرد سیاست خارجی در برخی برهه‌های زمانی می‌توان به خوبی مشاهده کرد که انفعال و معاشات به جای بر خودر و کنشگری فعال هر بار خسارات محضی را برای جمهوری اسلامی به بار می‌آورد.

■ مواجهه دوگانه یأس و امید

یک دوگانه دیگر که به نگاه کلان به آینده انقلاب در موضوعات مختلف مربوط می‌شود، دو گانه یأس و امید است: «مواجهه ما یأس‌سانه یا امیدوارانه. گاهی انسان با حاد‌های که مواجه می‌شود، توجه به توانایی‌های دشمن یا حرکت دشمن موجب می‌شود که انسان مأیوس بشود؛ حالا ممکن است وارد میدان هم بشود اما یأس‌سانه می‌شود؛ این یک جور مواجهه است. یک جور مواجهه این است که نه، انسان امیدوارانه وارد میدان بشود؛ اینها با هم فرق می‌کنند. اگر ما یأس‌سانه وارد میدان شدیم، ادامه کار یک جور خواهد بود، اگر امیدوارانه وارد میدان شدیم، ادامه کار جور دیگری خواهد بود؛ این هم یک دوگانه دیگر.»

■ دوگانه ترس و شجاعت

این دوگانه را می‌توان مکمل دوگانه فعال یا منفعل بودن و علت آن دانست. ورود فعال گرچه در برهه‌هایی لازم است اما این فعال بودن باید با شجاعت تمام و نهراسیدن از مخاطرات (تاحدی که دچار تهور نشویم) همراه باشد؛ «یک وقت انسان وارد میدان می‌شود اما می‌ترسد؛ از دشمن، از حاد‌ها، از ورود در غم‌های می‌ترسد، با ترس وارد می‌شود؛ این یک جور عکس‌العمل و واکنش و حضور در مقابل دشمن است، یک وقت با دلیری

اندیشه



تحلیلی بر علل ناکامی در چالش‌ها براساس نظر رهبر انقلاب

دوگانه‌های دشوار انقلاب

■ نگاه یکجانبه یا جامع به تهدیدها و فرصت‌ها

یک دو گانه دیگر، نگاه به حوادث، (به صورت تهدید و فرصت توأمان است، یکی هم نگاه یکجانبه است یا تهدیدگر یا فرصت‌نگر، فرض بفرمایید وقتی ما در مقابل دشمنی امریکا قرار می‌گیریم، دو جور می‌توانیم بر خودر بکنیم: نگاه کنیم ببینیم فرصت‌های مسا در مقابل این دشمن علی‌الظاهر مقتدر چه چیزهایی آدر مقابل فشار امریکا روی بعضی از کشورها؛ یک جا با شجاعت وارد می‌شوند، با دلیری وارد می‌شوند، یک جا بی‌توس وارد می‌شوند؛ هر کدام یک جور است؛ آن کسی هم که با ترس وارد می‌شود، ممکن است حرکتی بکند اما نوع آن حرکت با نوع حرکت آن کسی که امیدوارانه، با شجاعت وارد می‌شود تفاوت دارد.»

■ دوگانه تدبیر و سهل‌اندیشی

یک دوگانه دیگر این است که حرکتی که در مقابل دشمن می‌خواهیم انجام بدهیم، با حزم و تدبیر باشد یا با سهل‌اندیشی و سهل‌انگاری باشد. مثلاً فرض کنید در بیانات

■ کنترل یا بروز احساسات

یک دوگانه دیگر، مسئله بروز احساسات است. در حوادث گوناگون گاهی هست که انسان احساسات را رها می‌کند -حالاچه احساسات مثبت، مثلاً شادی را که انسان از یک موفقیت خرسند می‌شود، شاد می‌شود، احساسات خودش را رها می‌کند، یا احساس منفی را (مثلاً غم را، غصه را، ناراحتی را- این یک جور است؛ یک جور نه، کنترل احساسات، خرج کردن احساسات به قدر لازم، یکی از مواردی که واقعاً ممکن است ما ضربه بخوریم - یک وقت‌هایی هم یک ضربه‌هایی از آن خورده‌ایم- عدم کنترل احساسات عمومی است. حالا مثلاً بنده روی جوان‌ها خیلی تکیه می‌کنم و به معنای واقعی کلمه هم اعتقاد دارم به مسئله جوان‌ها - خب، از قبل از انقلاب هم با جوان‌ها کار کرده‌ایم، در طول انقلاب هم همیشه تا الان همراه با جوان‌ها بوده‌ایم- اما این را باید توجه کرد که ما به جوان‌ها اعتماد می‌کنیم اما احساسات جوان‌ها نباید به صورت رها، به صورت بی‌کنترلی در جامعه حکمفرمایی کند؛ احساسات باید کنترل شود. دو جور می‌شود بر خودر کرد؛ یکی بر خودر با احساسات بدون کنترل، یکی هم بر خودر با احساسات که به اندازه‌ی لازم بروز داده بشود که اینها کارهای آسانی هم نیست.

■ اقدام یا رعایت یا بدون رعایت حدود شرعی

یک دوگانه دیگر، رعایت ضوابط و حدود شرعی و عدم رعایت اینهاست. گاهی ما در دوره مبارزات هم قبل از انقلاب می‌دیدیم بعضی‌ها که در کار مبارزه خیلی فعال بودند، خیلی از مسائل شرعی مانند اینها را اهمیت نمی‌دادند. می‌گفتند آقا داریم کار می‌کنیم برای مبارزه، برای هدف، حالا مثلاً فرض کنید نماز اول وقت هم نشد، یا فلا ن مسئله هم نشد؛ تهمت و غیبت و از این چیزها هم اگر چنانچه پیش می‌آمد برایشان خیلی اهمیت نداشت. خب، این یک جور بر خودر رفتن، یا ملاحظه نکردن، امیرالمؤمنین انطور که نقل شده فرمود: *لَوْ لَأَتَى لَكُنْتُ أَذَى الْعَرَبِ* چه کسی از امیرالمؤمنین داه‌تر و اگام‌تر و زرنگ‌تر یا باهوش‌تر؟ اما خب تقوا گاهی جلوی بعضی از کارها را می‌گیرد. این هم یک دو گانه دیگر.

استفاده از تجربه یا دوبار گزیده شدن از یک سوراخ بهره‌گیری از تجربه‌ها یا دو بار از یک سوراخ گزیده شدن؛ این هم یک مسئله است.؛ حالا در همین مسائل مواجهه ما با دشمنان خارجی - مثلاً با غرب، با امریکا، با اروپا- خب این قضایایی داریم دیگر؛ قضایای گذشته را داریم، با اول انقلاب هم قضایایی داریم، اما این اواخر هم قضیه بر جام ار داشتیم و ا تعهدات اینها و بعد هم زین زیر تمهدها و عدم رعایتشان، عدم ملاحظه‌شان، خب، این یک تجربه است. ما در بر خودر با این جنحی که با ما این جور بر خودر کرده و بهرغم عهود و موافق می‌کند، به وظایف خودش عمل نکرده و همین‌طور با لیخنه و با پیشخندن و با این حرف‌ها قضایا را پیش برده است، باید نوع بر خودرمان با این طرف، با این آدم، با این دولت، با این جبهه، با استفاده از این تجربه باشد و بدانیم که با اینها چگونه باید بر خودر کنیم.

■ توجه به دشمن واقعی یا متهم کردن یکدیگر

یک نکته دیگر، یک نوع حرکت دیگر، یک دوگانه دیگری که حالا این هم خرابی‌اش باشد، این است که ما در مواجهه با حوادث دائم به خودمان بهریم، مدام به خودمان انتقاد کنیم، درون خودمان، من شما را مقصر بدانم، شما من را مقصر بدانید؛ این هم یکی جور بر خودر است که متأسفانه در خیلی از مواقع پیش می‌آید که وقتی مجموعه‌ها با سختی مواجه می‌شوند - حالا مجموعه‌ها چه یک حزب باشند، چه یک دولت باشد، چه یک ملت باشد- همدیگر را متهم می‌کنند یا اینکه، نه، به جای اینکه سر همدیگر داد بکشیم، به تعبیر امام «هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید» طرف مقابل، او است، بنده مکرر در صحبت‌های عمومی گفتم، ما دچار این اشتباه نمی‌شویم که دشمن خودمان را شناسایی؛ دشمن ما معلوم است. کسان دیگری هستند که علیه ما کار می‌کنند - اما روی غفلت است یا مانند اینها- اینها اهمیتی ندارند؛ آنکه دشمن واقعی است *﴿وَهُلِّمُ الْعَطْبُ فِی اَنْبِیْ سَفِیْانٍ﴾* که امیرالمؤمنین فرمود. آدر مورد آن قضایای این جوری بیخودی سر هم داد نکشیم، بیخودی یا همدیگر دعوا نکنیم. ببینیم واقعاً چه کسی باید دعوا کرد، با چه کسی باید طرف شد؛ این جوری عمل بکنیم.»

■ مخاطب دوگانه‌ها

دوگانه‌های فوق‌ار در صفا نمی‌توان مربوط به تصمیمات حاکمیتی یا دولتی دانست بلکه عموم مردم نیز در انتخاب رویکردها و مشارکت در حکمایت از میان این دوگانه‌ها رویکردی را برمی‌گزینند و به همین نسبت در سر نوشت و شکست‌های احتمالی شرکتند. «این دو گانه‌ها برای مردم مهم است مخصوص مسئولان نیست، البته مسئولان مخاطب اولند در اینگونه توصیه‌ها و حرف‌ها- مسئولان سیاسی یک جور، مسئولان نظامی یک جور، مسئولان مسائل اجتماعی یک جور- لکن عامه مردم در این زمینه‌ها باید صاحبنظر باشند، باید درک و فهم عمیق داشته باشند. اینکه عرض می‌کنیم کسی را متهم عمومی باید برسیم بین مردم، به این معناست؛حالا بعداً یک خرده بیشتر توضیح خواهم داد.»

درنگ



تحلیلی بر جوانگرایی در بیانیه گام دوم

اکنون باید شخص رهبری دست به قلم برد و با هشدار در این‌باره که حقیقت گذشته و حال را نمی‌توان از دشمن شنید، یک جمع‌بندی از گام اول و نحوه جریان آن در گام دوم ارائه کند تا زمینه این مهم را فراهم آورد و سپس به این اکتفا نکند و از نخبگان نیز تبیین و تحقیق در مفاد بیانیه را مطالبه نماید. این در حالی است که دشمن انقلاب به گونه‌ای نبض حوادث و چه عده‌ای، گام اول را بر اساس ادبیات موجود در عرصه عرفان تفسیر کنند: انقلاب اسلامی همانند یک سسالک که برای تزکیه و دوری از رذائل، چله‌نشینی را در پیش می‌گیرد، اولین چله و اولین مرحله از سلوک را به پایان رسانده و اکنون باید چله دوم را با هدف رفع نقص و دستیابی به کمالی دیگر و از طریق ریاضت‌هایی تغییر و تبدیل و تحول باشد:

چله گروهبی دیگر با اتکا به ادبیات موجود در عرصه فناوری، گام اول را بر اساس زمان لازم برای «تغییر نسل تکنولوژی» (بازه‌های ۲۰ساله) تحلیل کنند: انقلاب اسلامی در ۴۰ سال گذشته توانسته در برابر دو موج فناورانه و دو نسل از تغییر تکنولوژی و الزامات همه‌جانبه آن - که طراحی و مدیریت آن در دست نظام سلطه بوده - مقاومت کند و باقی بماند و در گام دوم باید به جای «رویارویی شده فرود: لَوْ لَأَتَى لَكُنْتُ أَذَى الْعَرَبِ» چه کسی از امیرالمؤمنین داه‌تر و اگام‌تر و زرنگ‌تر یا باهوش‌تر؟ اما خب تقوا گاهی جلوی بعضی از کارها را می‌گیرد. این هم یک دو گانه دیگر.

استفاده از تجربه یا دوبار گزیده شدن از یک سوراخ بهره‌گیری از تجربه‌ها یا دو بار از یک سوراخ گزیده شدن؛ این هم یک مسئله است.؛ حالا در همین مسائل مواجهه ما با دشمنان خارجی - مثلاً با غرب، با امریکا، با اروپا- خب این قضایایی داریم دیگر؛ قضایای گذشته را داریم، با اول انقلاب هم قضایایی داریم، اما این اواخر هم قضیه بر جام ار داشتیم و ا تعهدات اینها و بعد هم زین زیر تمهدها و عدم رعایتشان، عدم ملاحظه‌شان، خب، این یک تجربه است. ما در بر خودر با این جنحی که با ما این جور بر خودر کرده و بهرغم عهود و موافق می‌کند، به وظایف خودش عمل نکرده و همین‌طور با لیخنه و با پیشخندن و با این حرف‌ها قضایا را پیش برده است، باید نوع بر خودرمان با این طرف، با این آدم، با این دولت، با این جبهه، با استفاده از این تجربه باشد و بدانیم که با اینها چگونه باید بر خودر کنیم.

■ توجه به دشمن واقعی یا متهم کردن یکدیگر

یک نکته دیگر، یک نوع حرکت دیگر، یک دوگانه دیگری که حالا این هم خرابی‌اش باشد، این است که ما در مواجهه با حوادث دائم به خودمان بهریم، مدام به خودمان انتقاد کنیم، درون خودمان، من شما را مقصر بدانم، شما من را مقصر بدانید؛ این هم یکی جور بر خودر است که متأسفانه در خیلی از مواقع پیش می‌آید که وقتی مجموعه‌ها با سختی مواجه می‌شوند - حالا مجموعه‌ها چه یک حزب باشند، چه یک دولت باشد، چه یک ملت باشد- همدیگر را متهم می‌کنند یا اینکه، نه، به جای اینکه سر همدیگر داد بکشیم، به تعبیر امام «هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید» طرف مقابل، او است، بنده مکرر در صحبت‌های عمومی گفتم، ما دچار این اشتباه نمی‌شویم که دشمن خودمان را شناسایی؛ دشمن ما معلوم است. کسان دیگری هستند که علیه ما کار می‌کنند - اما روی غفلت است یا مانند اینها- اینها اهمیتی ندارند؛ آنکه دشمن واقعی است *﴿وَهُلِّمُ الْعَطْبُ فِی اَنْبِیْ سَفِیْانٍ﴾* که امیرالمؤمنین فرمود. آدر مورد آن قضایای این جوری بیخودی سر هم داد نکشیم، بیخودی یا همدیگر دعوا نکنیم. ببینیم واقعاً چه کسی باید دعوا کرد، با چه کسی باید طرف شد؛ این جوری عمل بکنیم.»

■ مخاطب دوگانه‌ها

دوگانه‌های فوق‌ار در صفا نمی‌توان مربوط به تصمیمات حاکمیتی یا دولتی دانست بلکه عموم مردم نیز در انتخاب رویکردها و مشارکت در حکمایت از میان این دوگانه‌ها رویکردی را برمی‌گزینند و به همین نسبت در سر نوشت و شکست‌های احتمالی شرکتند. «این دو گانه‌ها برای مردم مهم است مخصوص مسئولان نیست، البته مسئولان مخاطب اولند در اینگونه توصیه‌ها و حرف‌ها- مسئولان سیاسی یک جور، مسئولان نظامی یک جور، مسئولان مسائل اجتماعی یک جور- لکن عامه مردم در این زمینه‌ها باید صاحبنظر باشند، باید درک و فهم عمیق داشته باشند. اینکه عرض می‌کنیم کسی را متهم عمومی باید برسیم بین مردم، به این معناست؛حالا بعداً یک خرده بیشتر توضیح خواهم داد.»

پیشخوان

شماره جدید زمانه منتشر شد

دومین شماره از دوره جدید ماهنامه زمانه با برنده‌های «انقلاب و دیوان سالاری نفتی» و «بر کناری آیت‌الله منتظری» منتشر شد. به گزارش «جوان» ماهنامه زمانه از دومین شماره خود به تحلیل تاریخی شکل‌گیری دیوان سالاری نفتی در ایران و تحولات آن پس از انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر انقلاب پرداخته است. «جنگ اقتصادی و خنجر نفتی» تیتز یک زمانه در این شماره است که برگرفته از عنوان آغازین برنده پنجمه در این زمینه است. «هیولای نفت خوار و ازترژی انقلاب» یکی دیگر از عناوین این برنده است. مهدی غضنفری و حسن بنیانیان در مصاحبه با زمانه به تحلیل اقتصادی و فرهنگی تأثیر دیوان سالاری نفتی بر ساختار حکومتی و فرهنگی عمومی جامعه ایران پرداخته‌اند. «برای رهایی فرهنگ از دام نفت»، «شکست تعاملات دولت و ملت در بستر اقتصاد نفتی»، «مقاومت علیه انباشت ثروت با تبدیل ثروت به سرمایه!» و «هفت، مصرف، اباحه و اروتیسم» از دیگر عناوین این بخش است.

دومین برنده زمانه در این شماره اختصاص به ماجرای بر کناری آیت‌الله منتظری در فروردین ۱۳۶۸ دارد. پنجمه بررسی چرایی این رویداد مهم در تاریخ انقلاب اسلامی پرداخته و تلاش منتشر می‌شود.

کلید واژه گام دوم انقلاب جوانگرایی است. در متن تحلیلی زیر که توسط «حسینیه انقلاب» تهیه شده به الزامات این جوانگرایی پرداخته شده است.

«گام دوم» گرچه در تداوم «گام اول» و هم‌جهت با آن است اما سخن گفتن از آن تنها زمانی معنادار خواهد بود که‌ناظر به نوعی از تغییر و تبدیل و تحول باشد:

چله عده‌ای، گام اول را بر اساس ادبیات موجود در عرصه عرفان تفسیر کنند: انقلاب اسلامی همانند یک سسالک که برای تزکیه و دوری از رذائل، چله‌نشینی را در پیش می‌گیرد، اولین چله و اولین مرحله از سلوک را به پایان رسانده و اکنون باید چله دوم را با هدف رفع نقص و دستیابی به کمالی دیگر و از طریق ریاضت‌هایی تغییر و تبدیل و تحول کند.

چله گروهبی دیگر با اتکا به ادبیات موجود در عرصه فناوری، گام اول را بر اساس زمان لازم برای «تغییر نسل تکنولوژی» (بازه‌های ۲۰ساله) تحلیل کنند: انقلاب اسلامی در ۴۰ سال گذشته توانسته در برابر دو موج فناورانه و دو نسل از تغییر تکنولوژی و الزامات همه‌جانبه آن - که طراحی و مدیریت آن در دست نظام سلطه بوده - مقاومت کند و باقی بماند و در گام دوم باید به جای «رویارویی شده فرود: لَوْ لَأَتَى لَكُنْتُ أَذَى الْعَرَبِ» چه کسی از امیرالمؤمنین انطور که نقل شده فرمود: *لَوْ لَأَتَى لَكُنْتُ أَذَى الْعَرَبِ* چه کسی از امیرالمؤمنین داه‌تر و اگام‌تر و زرنگ‌تر یا باهوش‌تر؟ اما خب تقوا گاهی جلوی بعضی از کارها را می‌گیرد. این هم یک دو گانه دیگر.

استفاده از تجربه یا دوبار گزیده شدن از یک سوراخ بهره‌گیری از تجربه‌ها یا دو بار از یک سوراخ گزیده شدن؛ این هم یک مسئله است.؛ حالا در همین مسائل مواجهه ما با دشمنان خارجی - مثلاً با غرب، با امریکا، با اروپا- خب این قضایایی داریم دیگر؛ قضایای گذشته را داریم، با اول انقلاب هم قضایایی داریم، اما این اواخر هم قضیه بر جام ار داشتیم و ا تعهدات اینها و بعد هم زین زیر تمهدها و عدم رعایتشان، عدم ملاحظه‌شان، خب، این یک تجربه است. ما در بر خودر با این جنحی که با ما این جور بر خودر کرده و بهرغم عهود و موافق می‌کند، به وظایف خودش عمل نکرده و همین‌طور با لیخنه و با پیشخندن و با این حرف‌ها قضایا را پیش برده است، باید نوع بر خودرمان با این طرف، با این آدم، با این دولت، با این جبهه، با استفاده از این تجربه باشد و بدانیم که با اینها چگونه باید بر خودر کنیم.

■ توجه به دشمن واقعی یا متهم کردن یکدیگر

یک نکته دیگر، یک نوع حرکت دیگر، یک دوگانه دیگری که حالا این هم خرابی‌اش باشد، این است که ما در مواجهه با حوادث دائم به خودمان بهریم، مدام به خودمان انتقاد کنیم، درون خودمان، من شما را مقصر بدانم، شما من را مقصر بدانید؛ این هم یکی جور بر خودر است که متأسفانه در خیلی از مواقع پیش می‌آید که وقتی مجموعه‌ها با سختی مواجه می‌شوند - حالا مجموعه‌ها چه یک حزب باشند، چه یک دولت باشد، چه یک ملت باشد- همدیگر را متهم می‌کنند یا اینکه، نه، به جای اینکه سر همدیگر داد بکشیم، به تعبیر امام «هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید» طرف مقابل، او است، بنده مکرر در صحبت‌های عمومی گفتم، ما دچار این اشتباه نمی‌شویم که دشمن خودمان را شناسایی؛ دشمن ما معلوم است. کسان دیگری هستند که علیه ما کار می‌کنند - اما روی غفلت است یا مانند اینها- اینها اهمیتی ندارند؛ آنکه دشمن واقعی است *﴿وَهُلِّمُ الْعَطْبُ فِی اَنْبِیْ سَفِیْانٍ﴾* که امیرالمؤمنین فرمود. آدر مورد آن قضایای این جوری بیخودی سر هم داد نکشیم، بیخودی یا همدیگر دعوا نکنیم. ببینیم واقعاً چه کسی باید دعوا کرد، با چه کسی باید طرف شد؛ این جوری عمل بکنیم.»

دوگانه‌های فوق‌ار در صفا نمی‌توان مربوط به تصمیمات حاکمیتی یا دولتی دانست بلکه عموم مردم نیز در انتخاب رویکردها و مشارکت در حکمایت از میان این دوگانه‌ها رویکردی را برمی‌گزینند و به همین نسبت در سر نوشت و شکست‌های احتمالی شرکتند. «این دو گانه‌ها برای مردم مهم است مخصوص مسئولان نیست، البته مسئولان مخاطب اولند در اینگونه توصیه‌ها و حرف‌ها- مسئولان سیاسی یک جور، مسئولان نظامی یک جور، مسئولان مسائل اجتماعی یک جور- لکن عامه مردم در این زمینه‌ها باید صاحبنظر باشند، باید درک و فهم عمیق داشته باشند. اینکه عرض می‌کنیم کسی را متهم عمومی باید برسیم بین مردم، به این معناست؛حالا بعداً یک خرده بیشتر توضیح خواهم داد.»